بازشناسی مصادر کتاب الغیبه طوسی

حجت الاسلام و المسلمین محمد مسعودی[1]

تاریخ تحویل: ۱۳۸۷/۱۰/۱۵
تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۱۲/۲۵

چکیده

کتاب *غیبت* شیخ طوسی، از تراث گرانسنگ امامی‌هاست که از مصادری قویم و وزین اخذ شده است. ما امروز میراث دار این گنجینه بی‌بدیل هستیم که به حق از شایسته‌ترین ذخایر حدیثی به شمار می‌رود.

شیخ طوسی، در تدوین آن، از عمیق‌ترین منابع شیعی بهره جسته و شالوده آن را سامان داده است که بخشی از آن‌ها امروزه در دسترس ما هست و متأسفانه بخشی موجود نیست.

در این نوشتار، در پی منبع‌یابی مصادر کتاب *غیبت* طوسی برآمده و سعی بر این است که ارتباط سازگار بین مصادر و کتاب *غیبت* ریشه‌یابی شود و چگونگی اخذ تبیین گردد.

کلید واژه‌ها: کتاب غیبت، شیخ طوسی، مصادر، اخذ حدیث، نقل روایت، طرق، مشایخ.

مقدمه

از آن روی که آموزه مهدویت، از برجسته‌ترین اندیشه‌های اسلامی است که در نگرش ایجابی و سلبی تمام فرق اسلامی جای گرفته است؛ لذا در تاریخ اسلام، کنار کار ویژه‌های مباحث کلامی، مورد کنکاش جدی واقع شده و بحث‌های ریشه داری

---

۱. محقق و پژوهشگر.

را همراه داشته است. پیشینهٔ این بحث، به احادیث نبوی ﷺ باز می‌گردد که عالم هستی را به ظهور منجی راستین و تشکیل جامعه‌ای نیک وعده داده است. از جانب دیگر، همواره در فراز و نشیب‌های قرون گذشته، عده‌ای در جست و جوی چنین مدینه فاضله‌ای به خطا رفته و به نحله‌های فاسد گرویده و به دام کج‌اندیشان و فرصت‌طلبان گرفتار آمده‌اند؛ همانند آنان که راه کیسانیه و ناووسیه و واقفیه و غیره را رفته‌اند.

اندیشوران و پیشگامان امامیه و علما و متکلمان شیعه، برای ترسیم حقیقت مهدویت و تبیین مفهومی و مصداقی آن، از ژرفای ادله نقلی و عقلی الهام گرفته و نگرش صحیحی از آموزه مهدی‌گرایی در پیش روی رهپویان نهاده‌اند؛ همان‌گونه که محمد بن ابراهیم نعمانی و عبدالله بن جعفر حمیری و شیخ مفید و شیخ طوسی و دیگران، کتاب ***غیبت*** نوشته و به پرسشِ جویندگان و شبهه شبهه افکنان، پاسخ داده‌اند.

کتاب ***غیبت*** شیخ طوسی، از کهن‌ترین و برترین کتب حدیثی در موضوع خود است. شیخ، آن را حدود سال ٤٤٧ ق یعنی حدوداً سیزده سال قبل از وفاتش به نگارش در آورد. او در دو جا بدین تاریخ اشاره دارد:

نخست، آن‌جا که در مدت عمر حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف بحث می‌کند و می‌فرماید: **«لانه علی قولکم له فی هذا الوقت الذی هو سنة سبع و اربعین و اربعمائة...».**[1]

دومین‌بار در اشاره به مدفن نائب اول، عثمان بن سعید عمری می‌فرماید: **«و هو الی یومنا هذا و ذلک سنة سبع و اربعین و اربعمائة...».**[2]

کتاب ***غیبت*** طوسی از با ارزش‌ترین منابع معرفتی مهدویت است. شیخ، به لحاظ دارا بودن منابع دست اول و مصادر متعدد و احاطه بر احادیث، توانست مجموعه گرانسنگی از ژرف‌ترین مسایل دربارهٔ امامت حضرت حجة علیه السلام تدوین کند و در

۱. شیخ طوسی، ***الغیبة***، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۲۳ق، ص۸۸.
۲. همان، ص۲۴۱.

گسستن التقاطات و شبهات، بنایی استوار و متین سامان دهد.

این نوشتار، بر آن است که کتاب ***غیبت*** طوسی را از نگاه کتاب شناختی در معرض تحقیق بنهد و مصادرش را بازشناسی کند. ما به راستی نمی‌توانیم کلیه مصادر شیخ را در این مقاله بازیابی کنیم؛ زیرا بسیاری از آن‌ها در حوادث ایام، ناپدید یا نابود شده‌اند؛ همان‌گونه که در حادثه آتش زدن خانه شیخ، همهٔ کتب خطی و بسیار نفیس او سوخت و به دست ما نرسید. از جانب دیگر شیخ در ابتدای روایات، مصدر آن را بیان نکرده است؛ لذا ما باید در ابتدا قرینه‌یابی کنیم و در نهایت، با همان قراین، احتمال اخذ را مسجل نماییم.

منبع‌شناسی از خواستگاه به سزایی برخوردار است و در سده معاصر یکی از فروع کتاب شناسی مطرح شده است. ما از تاریخ شروع مصدرشناسیِ کتب اطلاعی نداریم؛ ولی امروزه برای تحکیم بنیان کتب، از آن استمداد می‌جویند و با مقایسه کتب با مصادرشان، به اطلاعات نغزی می‌رسند.

مصدر در این نوشتار، یعنی کتبی که شیخ در تدوین کتب ***غیبت***، از آن‌ها روایت اخذ کرده یا سبک تدوین آموخته است، هر چند که این، اصطلاح جدیدی را در منبع‌شناسی بنماید.

مصادر کتاب ***غیبت*** طوسی را در نگاه اول، می‌توان به دو گروه دسته بندی کرد: مصادری که امروزه آن‌ها را در دست داریم و مصادری که به ما نرسیده و در دست محققان مهدویت نیست.

مصادر موجودِ کتاب غیبت

أ. کتاب کافی

کتاب ***کافی*** را محمد بن یعقوب کلینی طی بیست سال تدوین کرد. نجاشی در رجالش می‌فرماید:

محمد بن یعقوب بن اسحاق ابوجعفر الکلینی و کان خاله علّان الکلینی الرازی شیخ اصحابنا فی وقته بالری و وجههم و کان اوثق الناس فی الحدیث و اثبتهم. صنف الکتاب

الکبیر المعروف بالکلینی یسمی الکافی فی عشرین سنة...[1]

کلینی در تبیین ابواب کتابش رهیافت‌هایی نو به کار گرفت و تار و پود ***کافی*** را با سبک جدیدی آمیخت. کتاب وی، از همسانی و همگرایی خاصی برخوردار بوده و چینش ابواب آن، تحسین برانگیز است. به حق کتاب ***کافی***، از برجسته‌ترین و نغزترین و منسجم‌ترین مصادر حدیثی به شمار می‌رود و اولین کتاب از کتب اربعه حدیثی شیعه شمرده شده است.

شیخ طوسی، در سامان بخشی و گردآوری کتاب ***غیبت***، بیشترین بهره را از ***کافی*** برد. وی در ابواب گوناگون، از ***کافی*** کمک گرفته و روایات مورد نظرش را از آن اخذ کرده است. او حدود پنجاه حدیث از ***کافی*** در کتاب ***غیبت*** نقل فرمود. این احادیث در هشت فصل کتاب پراکنده است که به معرفی آن‌ها می‌پردازیم:

۱. در فصل «الکلام فی الواقفة»

در این فصل، شیخ طوسی از مرحوم کلینی، چهارده حدیث نقل می‌کند. در اولین و دومین آن‌ها سند را با نام کلینی یعنی محمد بن یعقوب آغاز می‌کند. در بقیۀ روایات سند را با نام کلینی شروع نکرده بلکه در ابتدای سند، ضمیر «عنه» واقع شده که با توجه به عنوان بعد از ضمیر که شیخ و استاد مرحوم کلینی است، علی القاعده ضمیر، به کلینی ارجاع داده خواهد شد.

تنها در یک مورد، ابتدای سند را با اسم اشاره «بهذا الاسناد» شروع می‌کند که بعد از اسم اشاره، عنوان «ابن مهران» واقع شده است. او «احمد بن مهران» است که از مشایخ مرحوم کلینی بود. نتیجه این که مشارٌالیه کلینی خواهد بود.

در عمده روایات ***کافی*** که شیخ در این فصل اخذ کرده است، کلینی به واسطه «احمد بن مهران» روایت نقل می‌کند. اولین روایت کلینی را شیخ از باب «**ان الائمة علیهم السلام یعلمون متی یموتون و انهم لا یموتون الّا باختیار منهم**» از جلد نخست ***کافی*** اخذ کرده و بقیه روایات این فصل را از باب «**الاشارة و النص علی ابی الحسن**

---

۱. نجاشی، ***رجال***، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ص۳۷۷، ش ۱۰۲۶.

الرضاعلیه‌السلام» در همان جلد برگرفته است.

شیخ در چینش احادیث کتاب ***غیبت***، ترتیب روایات ***کافی*** را رعایت نکرده و آن را به مقتضای جریان بحث کتاب و با سلیقه‌ای نو مرتب کرده است.

ما ترتیب هر دو کتاب را در ادامه می‌آوریم:

کتاب غیبت		کتاب کافی			
صفحه	شماره روایت	رقم روایت	صفحه	جلد	ملاحظات
۳۳	اولین روایت اخذ شده از کافی	۲	۲۵۹	۱	
۳۴	دومین روایت مأخوذ از کافی	۱۶	۳۱۹	۱	
۳۵	سومین روایت مأخوذ از کافی	۳	۳۱۲	۱	
۳۵	چهارمین روایت مأخوذ از کافی	۴	۳۱۲	۱	
۳۵	پنجمین روایت مأخوذ از کافی	۱	۳۱۱	۱	
۳۶	ششمین روایت مأخوذ از کافی	۲	۳۱۲	۱	
۳۶	هفتمین روایت مأخوذ از کافی	۸	۳۱۲	۱	
۳۶	هشتمین روایت مأخوذ از کافی	۶	۳۱۲	۱	
۳۷	نهمین روایت مأخوذ از کافی	۷	۳۱۲	۱	
۳۷	دهمین روایت مأخوذ از کافی	۱۱	۳۱۳	۱	
۳۸	یازدهمین روایت مأخوذ از کافی	۱۲	۳۱۳	۱	
۳۸	دوازدهمین روایت مأخوذ از کافی	۱۳	۳۱۳	۱	
۳۸	سیزدهمین روایت مأخوذ از کافی	۱۴	۳۱۱	۱	
۵۵	چهاردهمین روایت مأخوذ از کافی	–	–	–	در کافی یافت نشد

شیخ در انتهای این فصل، روایتی را از کلینی چنین نقل می‌کند:

«**فروی محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی العطار عن محمد بن احمد عن محمد بن جمهور عن احمد بن المفضل عن یونس بن عبدالرحمن قال مات ابوابراهیم**علیه‌السلام...». که بعد از فحص در کتاب ***کافی*** یافت نشد.

به نکته‌ای وزین باید توجه داشت که کلینی از مشایخ بی واسطهٔ شیخ طوسی نیست و شیخ از او با واسطه روایت نقل می‌کند؛ لذا در اخذ حدیث، باید به طرقش اعتماد بکند. در این روایات، شیخ، طریقش به کلینی را ذکر نکرده است؛ ولی در ترجمه کلینی در ***فهرست***[1] طرق متعددی به کتب و روایات وی بیان می‌کند که ما

۱. شیخ طوسی، ***فهرست***، نجف، المکتبة المرتضویة، ص۱۳۵، ش ۵۹۱.

ذیلاً بعضی را می‌آوریم:

اخبرنا «بجمیع کتبه و روایاته الشیخ المفید ابوعبدالله محمد بن محمد بن النعمان عن ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه عنه و اخبرنا الحسین بن عبیدالله قراءة علیه اکثر کتبه من الکافی عن جماعة منهم ابوغالب احمد بن محمد الزراری و ابوالقاسم جعفربن محمد بن قولویه و ابوعبدالله احمد بن ابراهیم الصیمری المعروف بابن ابی رافع و ابومحمد هارون ابن موسی التلعکبری و ابوالمفضل محمد بن عبدالله بن المطلب الشیبانی کلهم عن محمد بن یعقوب».

۲. در ذیل روایاتی که بر امامت حضرت حجت علیه السلام دلالت می‌کند (از صفحه ۹۷ به بعد).

شیخ در این فصل، پنج روایت از کلینی نقل می‌کند و برخلاف فصل قبل، طریقش به روایات کلینی رادر اول اسناد ذکر کرده و در دو مورد، با اسم اشاره «بهذا الاسناد» سند را شروع کرده که مشارٌالیه آن‌ها در سند قبل، معلوم است.

شیخ، روایات کلینی را از «**باب ماجاء فی الاثنی عشر و النص علیهم**» از جلد نخست ***کافی*** اخذ کرده است:

کتاب ***غیبت***		کتاب ***کافی***			
صفحه	شماره روایت	رقم روایت	صفحه	جلد	ملاحظات
۱۰۱	اولین روایت مأخوذ از ***کافی***	۴	۵۲۹	۱	
۱۰۲	دومین روایت مأخوذ از ***کافی***	۱۵	۵۳۳	۱	
۱۰۸	سومین روایت مأخوذ از ***کافی***	۱۴	۵۳۳	۱	
۱۰۸	چهارمین روایت مأخوذ از ***کافی***	۸	۵۳۱	۱	
۱۰۹	پنجمین روایت مأخوذ از ***کافی***	۱	۵۲۵	۱	

۳. شیخ در ذیل «**و اما القائلون بامامة جعفر بن علی بعد اخیه** علیه السلام» (در صفحه ۱۴۹) یک روایت از کلینی نقل می‌کند **(و روی محمد بن یعقوب الکلینی ـ رفعه ـ قال: قال ابومحمد** علیه السلام **حین ولد الحجة...)** که این روایت، بعد از فحص، در کتاب ***کافی*** یافت نشد.

٤. در فصل «**فاما الکلام فی ولادة صاحب الزمان** علیه السلام**...**».

در این فصل، شیخ از کلینی هفت روایت نقل می‌کند. در این احادیث هم شیخ، طریق خودش را به روایت کلینی ذکر نکرده و سند را با عنوان «محمد بن یعقوب» شروع کرده است. باز دو روایت از مجموع هفت روایت در ***کافی*** یافت نشد.

شیخ، این روایات را از «**الاشارة و النص علی صاحب الدار** علیه السلام» و باب «**فی تسمیة من رآه** علیه السلام» از جلد نخست ***کافی*** اخذ کرده است.

کتاب ***غیبت***		کتاب ***کافی***			
صفحه	شماره روایت	رقم روایت	صفحه	جلد	ملاحظات
۱۵۴	اولین روایت مأخوذ از ***کافی***				در ***کافی*** یافت نشد
۱۵۴	دومین روایت مأخوذ از ***کافی***	۵	۳۲۹	۱	
۱۵۵	سومین روایت مأخوذ از ***کافی***				در ***کافی*** یافت نشد
۱۵۵	چهارمین روایت مأخوذ از ***کافی***	۶	۳۲۹	۱	
۱۵۶	پنجمین روایت مأخوذ از ***کافی***	۳	۳۲۸	۱	
۱۶۲	ششمین روایت مأخوذ از ***کافی***	۱	۳۲۹	۱	
۱۶۵	هفتمین روایت مأخوذ از ***کافی***	۹	۳۳۱	۱	

۵. در فصل «و اما ما روی من الاخبار المتضمنة لمن رآه علیه السلام...».

شیخ در این فصل، شش حدیث از کلینی نقل می‌کند که حدیث اول را با طریق کامل آورده است؛ ولی در چهار حدیث بعدی، سند را با اسم اشاره «بهذا الاسناد» شروع کرده که ارجاع اسماء اشاره و یافتن مشارٌالیه محل بحث است و اشکالاتی را به همراه دارد که تحقیق آن‌ها در این مقاله ممکن نیست.

ششمین حدیث که از کلینی نقل می‌کند، بعد از فحص، در کتاب ***کافی*** یافت نشد.

شیخ این روایت را از «**باب فی تسمیة من رآه علیه السلام**» از جلد نخست ***کافی*** اخذ کرده است.

کتاب غیبت		کتاب کافی			
صفحه	شماره روایت	رقم روایت	صفحه	جلد	ملاحظات
۱۷۸	اولین روایت مأخوذ از ***کافی***	۱۱	۳۳۱	۱	
۱۷۹	دومین روایت مأخوذ از ***کافی***	۲	۳۳۰	۱	
۱۷۹	سومین روایت مأخوذ از ***کافی***	۶	۳۳۱	۱	
۱۷۹	چهارمین روایت مأخوذ از ***کافی***	۸	۳۳۱	۱	
۱۷۹	پنجمین روایت مأخوذ از ***کافی***	۵	۳۳۱	۱	
۱۸۱	ششمین روایت مأخوذ از ***کافی***	-	-	-	در ***کافی*** یافت نشد

٦. در فصل «و اما ظهور المعجزات الدالة علی صحة امامته فی زمان الغیبة...».

در این فصل، شیخ از کلینی هفت روایت نقل می‌کند که در اولین آن‌ها طریق خود به روایات کلینی را در ابتدای سند می‌آورد و در چهار سند، با اسم اشاره «بهذا الاسناد» شروع می‌کند. در یک مورد نیز سند را با نام کلینی یعنی «محمد بن یعقوب» آغاز کرده است. روایت هفتمین را بعد از فحص در ***کافی*** نیافتیم.

شیخ این‌ها را از باب «**مولد الصاحب علیه السلام**» از جلد نخست ***کافی*** اخذ کرده است.

کتاب غیبت		کتاب *کافی*			
صفحه	شماره روایت	رقم روایت	صفحه	جلد	ملاحظات
۱۸۹	اولین روایت مأخوذ از *کافی*	۵	۵۱۸	۱	
۱۹۰	دومین روایت مأخوذ از *کافی*	۳	۵۲۰	۱	
۱۹۰	سومین روایت مأخوذ از *کافی*	۱۶	۵۲۲	۱	
۱۹۱	چهارمین روایت مأخوذ از *کافی*	۱۷	۵۲۲	۱	
۱۹۱	پنجمین روایت مأخوذ از *کافی*	۲۷	۵۲۴	۱	
۱۹۱	ششمین روایت مأخوذ از *کافی*	۳۱	۵۲۵	۱	
۱۹۶	هفتمین روایت مأخوذ از *کافی*	-	-	-	در *کافی* یافت نشد

۷. در فصل «**فی ذکر طرف من اخبار السفراء الذین کانوا فی حال الغیبة**» در این فصل، شیخ از کلینی تنها یک روایت نقل می‌کند که بعد از فحص در *کافی* یافت نشد.

و در باب «**فاما المذمومون منهم جماعة**» شیخ اولین روایت را بدین گونه نقل می‌کند: **فروی علی بن ابراهیم بن هاشم عن ابیه قال**.... با توجه به این که «علی بن ابراهیم» از مشایخ کثیر الروایة کلینی است و در *کافی* فراوان از او روایت نقل می‌کند و از سوی دیگر این روایت در *کافی*، ج۱، ص۵٤۸، ح۲۷ آمده است ظاهراً شیخ از *کافی* اخذ کرده است؛ ولی یا از ذکر کلینی در اول سند منصرف شده و یا این که فراموش کرده است.

در انتهای این قسمت نیز از کلینی حدیثی نقل می‌کند که بعد از فحص، در *کافی* یافت نشد.

۸. در فصل «**فاما السفراء الممدوحون فی زمان الغیبة**» ودر «**ذکر ابی جعفر محمد بن عثمان بن سعید العمری و القول فیه**». در این قسمت، شیخ از کلینی دو روایت نقل می‌کند که در اول آن‌ها طریقش را در ابتدای سند می‌آورد و از باب «**تسمیة من رآه**علیه‌السلام» از جلد نخست *کافی* اخذ کرده است ولی دومین روایت بعد از فحص در *کافی* یافت نشد.

کتاب *غیبت*		کتاب *کافی*			
صفحه	شماره روایت	رقم روایت	صفحه	جلد	ملاحظات
۲۴۱	اولین روایت مأخوذ از *کافی*	۱	۳۲۹	۱	
۲۴۴	دومین روایت مأخوذ از *کافی*	-	-	-	در *کافی* یافت نشد

۹. در ذیل «**و قد کان فی زمان السفراء المحمودین اقوام ثقات...**»

در این قسمت، شیخ از کلینی سه روایت نقل می‌کند که اولین آن‌ها بعد از فحص در ***کافی*** یافت نشد و دومین و سومین را با نام کلینی «محمد بن یعقوب» شروع کرده است. هر دو روایت از «**باب مولد الصاحب**علیه‌السلام» از جلد نخست ***کافی*** اخذ شده است.

کتاب ***غیبت***		کتاب ***کافی***			
صفحه	شماره روایت	رقم روایت	صفحه	جلد	ملاحظات
۲۸۱	اولین روایت مأخوذ از ***کافی***	–	–	–	در ***کافی*** یافت نشد
۲۸۲	دومین روایت مأخوذ از ***کافی***	۱۷	۵۲۲	۱	
۲۸۲	سومین روایت مأخوذ از ***کافی***	۲۳	۵۲۳	۱	

تذکر: شیخ در این کتاب، از کلینی ده روایت نقل کرد، ولی ما بعد از فحص، آن‌ها را در ***کافی*** نیافتیم. شاید شیخ آن را از کتاب **رسائل الائمة**علیهم‌السلام اثر کلینی اخذ کرده باشد که نجاشی[1] از جمله کتب کلینی می‌شمارد.

ب. کتاب غیبت نعمانی

دیکر از مصادر شیخ، کتاب ***غیبت***[2] نعمانی است. نویسنده محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب النعمانی البغدادی معروف به «ابن ابی زینب» است. نجاشی[3] می‌فرماید: «**شیخ من اصحابنا، عظیم القدر، شریف المنزلة، صحیح العقیدة، کثیر الحدیث... له کتب منها: کتاب الغیبة، ...**».[4]

از تاریخ تولد وی اطلاعی موجود نیست ولی در حدود سال **۳۶۰** ق در شام وفات یافت. کتاب ***غیبت*** او از وزین‌ترین تألیفات در موضوع خود است که تألیف آن، در سال **۳۴۲**ق به پایان رسید. شیخ طوسی در تدوین کتابش از کتاب نعمانی هشت روایت اخذ کرده که مشروحاً به بیان آن می‌پردازیم:

۱. نجاشی، پیشین، ص۳۷۷، ش۱۰۲۶.
۲. محمد نعمانی، ***الغیبة***، بی‌جا، مدین، ۱۴۲۶ق.
۳. نجاشی، ***رجال***، ص۳۸۳، ش۱۰۴۳.
۴. نجاشی، ***رجال***، ص۳۸۳، ش۱۰۴۳.

۱. در فصل «**ما یدل علی امامة صاحب الزمان**علیه‌السلام**...**»

در این فصل شیخ طوسی، هفت روایت از نعمانی نقل می‌کند که در اولین روایت، طریقش را به کتاب نعمانی در شروع سند بیان می‌کند؛ ولی در بقیهٔ روایات، سند را با اسم اشاره «بهذا الاسناد» شروع می‌کند که مشارالیه با تأمل معلوم است.

شیخ، این روایات را از فصل «**فیما روی ان الائمة اثنا عشر من طریق العامة و ما یدل علیه من القرآن و التوراة**» از کتاب *الغیبة* نعمانی اخذ کرده است.

کتاب ***غیبت*** شیخ		کتاب ***غیبت*** نعمانی		
صفحه	شماره حدیث	رقم	صفحه	ملاحظات
۹۷	اولین روایت مأخوذ از ***غیبت*** نعمانی	۳۱	۱۰۲	
۹۸	دومین روایت مأخوذ از ***غیبت*** نعمانی	۳۲	۱۰۳	
۹۸	سومین روایت مأخوذ از ***غیبت*** نعمانی	۳۳	۱۰۴	
۹۹	چهارمین روایت مأخوذ از ***غیبت*** نعمانی	۳۴	۱۰۴	
۹۹	پنجمین روایت مأخوذ از ***غیبت*** نعمانی	۳۵	۱۰۵	
۹۹	ششمین روایت مأخوذ از ***غیبت*** نعمانی	۳۶	۱۰۶	
۹۹	هفتمین روایت مأخوذ از ***غیبت*** نعمانی	۳۷	۱۰۶	

۲. در «**ذکر بعض من رأی الحجة**علیه‌السلام».

شیخ طوسی، در این قسمت، روایتی را از نعمانی نقل می‌کند که ما بعد از فحص، آن را در کتاب ***غیبت*** نعمانی نیافتیم.

شیخ از نعمانی بدین طریق نقل روایت می‌کند: **ما اخبرنی به ابوعبدالله احمد بن عبدون المعروف بابن الحاشر قال حدثنی ابوالحسین محمد بن علی الشجاعی الکاتب قال اخبرنا ابوعبدالله محمد بن ابراهیم المعروف بابن ابی زینب النعمانی الکاتب.**[1]

ج. کتاب کمال الدین و تمام النعمة

دیگر از مصادر شیخ طوسی در گردآوری کتاب ***غیبت*** را می‌توان کتاب ***کمال الدین و تمام النعمة***[2] اثر شیخ صدوق شمرد. وی محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی از اعلام امامیه در قرن چهارم است که به دعای حضرت حجت علیه‌السلام متولد شد. وی از

---

۱. شیخ طوسی، پیشین، غیبت، ص۹۷.

۲. شیخ صدوق، ***کمال الدین و تمام النعمة***، قم، مؤسسة الاسلامی، ۱۴۰۵ق.

برجسته‌ترین فقها و محدثان بود و کتب فراوانی در فنون متعدد نگاشت. شیخ صدوق، در سال ۳۸۱ ق وفات یافت و در ری مدفون شد.

شیخ طوسی با یک واسطه از او روایت نقل می‌کند که واسطه، یکی از این اعلام است:

۱. شیخ محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)

۲. حسین بن عبیدالله غضائری

۳. جعفر بن حسن بن حسکه قمی

٤. محمد بن سلیمان حمرانی

شیخ طوسی در این کتاب، همیشه توسط «جماعة» از شیخ صدوق نقل روایت می‌کند که مرادش همین مشایخ چهارگانه فوق هستند. او در مجموع هجده حدیث از ***کمال الدین*** اخذ کرده است که به شرح آن‌ها می‌پردازیم:

۱. در فصل «**فاما الکلام فی ولادة صاحب الزمان**علیه‌السلام...»

شیخ در این فصل، دو حدیث از ***کمال الدین*** از باب «**ذکر من شاهد القائم**علیه‌السلام **و رآه و کلمه**» اخذ کرده است.

کتاب ***غیبت***		کتاب ***کمال الدین***			
صفحه	شماره حدیث	رقم روایت	صفحه	جلد	ملاحظات
۱۶۶	اولین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۱	۴۳۴	۲	
۱۶۷	دومین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۹ و ۱۰	۴۴۰	۲	در روایت تلفیق شده

۲. در فصل «**و اما ظهور المعجزات الدالة علی صحة امامته فی زمان الغیبة...**».

شیخ طوسی در این فصل، ذیل بیان توقیعات حضرت حجت علیه‌السلام هفت حدیث از ***کمال الدین*** از باب «**ذکر التوقیعات الواردة عن القائم**عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف» اخذ کرده است.

کتاب غیبت		کتاب ***کمال الدین***			
صفحه	شماره حدیث	رقم روایت	صفحه	جلد	ملاحظات
۲۰۱	اولین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۴۹	۵۲۰	۲	
۲۱۵	دومین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۳۶	۵۰۵	۲	
۲۱۷	سومین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۳۱	۵۰۲	۲	
۲۱۸	چهارمین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۳۴	۵۰۳	۲	
۲۱۸	پنجمین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۳۷	۵۰۷	۲	
۲۱۹	ششمین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۳۹	۵۰۹	۲	
۲۲۰	هفتمین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۳۷	۵۰۷	۲	

۳. در فصل «**فاما السفراء الممدوحون فی زمان الغیبة...**»

در این فصل، آن جا که محمد بن عثمان بن سعید را معرفی می‌کند، سه حدیث از ***کمال الدین*** از باب «**ذکر من شاهد القائم**علیه‌السلام» و از باب «**ذکر التوقیعات الوارده عن القائم**علیه‌السلام» اخذ کرده است. در ادامه، روایتی را از شیخ صدوق بدین سند نقل می‌کند: و «**بهذا الاسناد عن محمد بن علی عن ابیه...**» که مراد از محمد بن علی، شیخ صدوق است و مشارالیه «بهذا الاسناد» هم مشایخ وی هستند؛ ولی در ***کمال الدین*** یافت نشد.

کتاب ***غیبت***		کتاب ***کمال الدین***			
صفحه	شماره روایت	رقم روایت	صفحه	جلد	ملاحظات
۲۴۳	اولین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۴۱	۵۱۰	۲	
۲۴۵	دومین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۸	۴۴۰	۲	سند ارسال دارد
۲۴۵	سومین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۹	۴۴۰	۲	
۲۴۵	چهارمین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	–	–	–	در کمال الدین یافت نشد

٤. در ذیل بیان این که محمد بن عثمان بن سعید، به امر امام زمان علیه‌السلام حسین بن روح را جانشین خود می‌کند، شیخ، دو حدیث از ***کمال الدین*** از باب «**ذکر التوقیعات الواردة عن القائم**علیه‌السلام» اخذ کرده و دومین سند را با اسم اشاره «بهذا الاسناد» آغاز می‌کند.

کتاب ***غیبت***		کتاب ***کمال الدین***			
صفحه	شماره روایت	رقم روایت	صفحه	جلد	ملاحظات
۲۴۹	اولین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۲۸	۵۰۱	۲	
۲۴۹	دومین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۳۳	۵۰۳	۲	

۵. در ذیل «ذکر امر ابی الحسن علی بن محمد السمری» شیخ از ***کمال الدین*** از باب «**ما روی فی میلاد القائم**علیه‌السلام...» و از «**باب ذکر التوقیعات الوارده عن القائم**علیه‌السلام» سه حدیث اخذ کرده است.

کتاب ***غیبت***		کتاب ***کمال الدین***			
صفحه	شماره روایت	رقم روایت	صفحه	جلد	ملاحظات
۲۶۴	اولین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۱۲	۴۳۲	۲	
۲۶۵	دومین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۳۳	۵۰۳	۲	
۲۶۵	سومین روایت مأخوذ از ***کمال الدین***	۴۴	۵۱۶	۲	

د. اربعة رسالات فی الغیبة[1]

شیخ مفید (محمد بن محمد بن نعمان) که از چهره‌های درخشان شیعه در قرن چهارم و اوائل قرن پنجم هجری قمری بود و در کلام و فقه و حدیث با فضیلت‌ترین دانشمند زمان خود به شمار می‌رفت، در پاسخگویی به شبهات غیبت حضرت حجت علیه السلام این چهار رساله را نگاشته است. شیخ طوسی در ابتدای کتاب در فصل «**فی الکلام فی الغیبة**» که به نکات نغز معرفتی اشاره دارد و به سؤالات مطرح در آن موضوع، پاسخی وثیق و جامع پیش روی منتقدان نهاده است. این کیفیت سؤال و جواب شیخ، از سؤال و جواب استادش شیخ مفید در آن رساله‌ها تأثیر پذیرفته است. که با مقایسه دو کتاب، این تأثیرپذیری کاملاً نمایان می‌شود. به نظر نگارنده، شیخ طوسی در این مباحث، به شیوه بحث استادش عنایت داشته و از آن در تدوین مطالب کتابش الهام گرفته است.

هـ. کتاب الذخیرة[2]

چهارمین مصدر شیخ در تدوین کتاب ***غیبت*** کتاب ***ذخیره*** سید مرتضی است. ابوالقاسم علی بن حسین موسوی معروف به سید مرتضی علم الهدی در سال **٤٣٦** ق وفات کرد، وی از شاگردان شیخ مفید بود و بر جنازه استادش نماز خواند و پس از او کرسی ریاست عالم تشیع به وی منتقل شد. سید مرتضی، کتاب ***ذخیره*** را در علم کلام گردآورد و شیخ طوسی در چهار موضع، از آن بهره جست. دو مورد را ذیل: «**الدلیل علی وجوب الرئاسة**» در صفحه ۱۳ و ۱۹ نقل کرد که اولین، با عبارت «**و وجدت لبعض المتأخرین کلاماً اعترض به کلام المرتضی رحمه الله فی الغیبة...**» و دومین نیز با عبارت «**قلنا الذی نقوله فی هذا الباب ما ذکره المرتضی رحمه الله فی الذخیرة...**» آغاز می‌شود.

---

۱. شیخ مفید، ***اربعة رسالات فی الغیبة***، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۲. بنا به نقل آقا بزرگ تهرانی در ***الذریعة*** ج۱۰، ص۱۲، یک نسخه از این کتاب در کتابخانه محدث نوری موجود بود و دیگری در کتابخانه رضوی علیه السلام.

دو مورددیگر را نیز ذیل «**علة غیبته**علیه‌السلام **عن اولیائه**» در صفحه ۷۹ و ۸۳ نقل می‌کند؛ اولین بدین شروع: «**و کان المرتضی رحمه الله یقول اخیراً...**» و دومین بدین شروع: «**و کان المرتضی رحمه الله یقول...**».

و. کتاب مسائل علی بن جعفر

از مصادر کتاب ***غیبت*** شیخ طوسی می‌توان کتاب ***مسائل*** علی بن جعفر[1] را شمرد. وی که فرزند امام صادق علیه‌السلام و برادر حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام بود، مسائلی را از برادر بزرگوارش پرسیده که در کتابی گرد آمده است. علی بن جعفر در اواسط قرن سوم هجری قمری از دنیا رفت و چهار امام (امام صادق، امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم‌السلام) را درک کرد. او در دام مذهب وقف گرفتار نشد و در فراز و فرودهای اجتماعی بر عقیدت پاک باقی ماند. ***مسائل*** علی بن جعفر در موضوعات گوناگون نگاشته شده و شیخ در فصل «الکلام فی الواقفة» صفحه ٤٠ از آن، روایتی نقل می‌کند.

قراین، نمایانگر اخذ از آن کتاب صفحه ٣٤٧ رقم ٨٥٦ می‌باشد و تعبیر هر دو بدین گونه است: «**و روی ایوب بن نوح عن الحسن بن فضال**[2] **قال سمعت علی بن جعفر یقول: کنت عند اخی موسی بن جعفر**علیه‌السلام **و کان و الله حجةً فی الارض بعد ابی**» شیخ در موارد دیگر نیز از علی بن جعفر روایت نقل می‌کند؛ ولی اخذ آن‌ها از کتاب ***مسائل*** علی بن جعفر محرز نشد و احتمالاً از کتب دیگران اخذ کرده باشد.

شیخ طرقش به کتاب علی بن جعفر را در فهرست[3] بیان می‌کند که یکی چنین است: **اخبرنا بذلک جماعة عن محمد بن علی بن الحسین عن ابیه عن محمد بن یحیی عن العمرکی الخراسانی البوفکی عن علی بن جعفر**».

۱. علی بن جعفر، ***مسائل علی بن جعفر***، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.
۲. مراد از حسن بن فضال، حسن بن علی بن فضال است، هر چند تعبیر از وی به حسن بن فضال و نسبت به جد دادن، غیر معهود است؛ ولی شیخ به همین صورت که در ***مسائل*** علی بن جعفر آمده این جا درج کرده است.
۳. شیخ طوسی، ***الفهرست***، ص۸۷، ش۳۶۷.

ز. کتاب اسرار آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

مؤلف این کتاب، سلیم بن قیس[1] هلالی از خواص اصحاب امامان نخستین شیعه شمرده شده است. وی در شانزده سالگی به مدینه آمد و شاهد خانه نشین شدن امیرالمؤمنین علیه السلام بود. او از منبع زلال علم آن حضرت بهره جست و حوادث را از زبان سلمان و ابوذر و مقداد نگاشت. کتاب سلیم بن قیس، اولین کتابت از تاریخ اسلام است که در ردیف وزین‌ترین حادثه نگار اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌رود.

شیخ طوسی، ذیل بحث از بطلان قول کیسانیه در صفحه ۱۳۱ دو روایت و ذیل بحث علت عدم ظهور حضرت حجت علیه السلام در صفحه ۲۲۶ یک روایت از وی نقل می‌کند که به نظر می‌رسد به طور مستقیم از کتابش اخذ کرده باشد؛ هر چند قراین بر این مطلب، کافی نیست؛ ولی دور از احتمال هم نخواهد بود.

طریق شیخ طوسی به کتاب سلیم بن قیس در *فهرست*[2] بدین گونه است: **اخبرنا به ابن ابی جیدعن محمد بن الحسن بن الولید عن محمد بن القاسم الملقب ماجیلویه عن محمد بن علی الصیر فی عن حماد بن عیسی و عثمان بن عیسی عن ابان بن ابی عیاش عنه**».

مصادر غیر موجود

أ. الضیاء فی الرد علی المحمدیة و الجعفریة

کتاب *الضیاء* مجموعه احادیثی است که سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی در ردّ بر قائلان به امامت محمد بن علی بن محمد بن علی الرضا علیهم السلام و قائلان به امامت جعفر بن علی بن محمد بن علی رضا علیهم السلام گرد آورد. سعد بن عبدالله ـ آن سان که نجاشی[3] ترجمه می‌کند ـ از فقیهان امامیه اثنا عشریه بود. بنا به قولی امام یازدهم علیه السلام را نیز ملاقات کرد و از ایشان احادیث شنید. وی برای گردآوری احادیث اهل بیت علیهم السلام رنج سفر را بر خود هموار ساخت. ثمره این سفرها، کتب بسیاری شد که از خود باقی گذاشت و در

---

۱. *کتاب سلیم بن قیس*، قم، الهادی، ۱۴۱۵ق.
۲. همان، ص۸۱، ش۳۳۶.
۳. نجاشی، *رجال*، ص۱۷۷، ش۴۶۷.

شمار آن‌ها کتاب ضیاء در ردّ محمدیه و جعفریه است که شیخ در کتاب **غیبت** از آن اخذ کرده و به همین لحاظ اسنادش را با نام سعد بن عبدالله آغاز می‌کند.

البته شیخ از سعد بن عبدالله در این کتاب بسیار نقل حدیث کرده است؛ ولی تشخیص این که مستقیماً از کتب وی اخذ شده یا از کتب دیگران مشکل است و به درستی نمی‌توان به اخذ مستقیم حکم کرد؛ لذا این جا مواردی بیان می‌شود که ما اطمینان به اخذ از کتاب ضیاء سعد داریم. شیخ، نخست ذیل «**و اما من خالف من الفرق الباقیة الذین قالوا بامامة غیره: کالمحمدیه...**» در صفحه ٦٨ اولین حدیث را از کتاب ضیاء نقل می‌کند. آغاز سند حدیث چنین است: «**فروی سعد بن عبدالله قال حدثنی ابوهاشم داود بن القاسم الجعفری...**» و دومین را ذیل «**و اما المحمدیة الذین قالوا: ...**» در صفحه ۱۳۳ چنین نقل می‌کند: «**و یزید ذلک بیاناً ما رواه سعد بن عبدالله عن جعفر بن محمد بن مالک...**».

در این قسمت مجموعاً سه حدیث از سعد نقل می‌کند که در صفحات ۱۳۳ و ۱۳٤ آمده است. وی ذیل «**و اما موت محمد فی حیاة ابیه**علیه‌السلام**...**» در صفحه ۱۳٤ و ۱۳۵ و ۱۳٦ مجموعاً سه حدیث از سعد نقل می‌کند و چهارمین حدیث مشکوک است که آیا از کتاب ضیاء اخذ شده است یا نه.

همچنین ذیل «**و اما معجزاته [حسن عسکری**علیه‌السلام**] الدالة علی امامته...**» در صفحات ۱۳٦ و ۱۳۷ و ۱۳۸ مجموعاً پنج حدیث از کتاب سعد نقل می‌کند و ذیل «**فاما القائلون بان الحسن بن علی**علیه‌السلام **لم یمت...**» در صفحه ۱٤۷ یک حدیث و ذیل «**و اما من قال: ان الحسن بن علی**علیهما‌السلام **انه یعیش بعد موته...**» در صفحه ۱٤۸ یک حدیث از وی نقل می‌کند.

همچنین ذیل «**و اما القائلون بامامة جعفر بن علی بعد اخیه**علیه‌السلام**...**» در صفحه ۱۵۰ یک حدیث از کتاب ضیاء نقل می‌کند.

شیخ طوسی ذیل «**و قد بیّنا فساد قول الذاهبین الی امامة جعفر بن علی...**» در صفحه ۱۵۱ و ۱۵۲ سه حدیث نقل می‌کند.

پس مجموعاً شیخ از کتاب ضیاء سعد بن عبدالله نوزده حدیث نقل می‌کند که به نظر می‌رسد مستقیماً از آن اخذ کرده باشد.

شیخ به دلیل این که راوی مستقیم سعد نیست و نمی‌تواند از وی بی واسطه حدیث نقل کند، باید طریق خود را در صدر اسناد سعد می‌آورد؛ ولی در فهرست[1] در ترجمه سعد می‌فرماید: «**اخبرنا بجمیع کتبه و روایاته عدة من اصحابنا عن محمد بن علی بن الحسین بن بابویه عن ابیه و محمدبن الحسن عن سعد بن عبدالله**».

با نهادن این طریق به صدر اسناد سعد، طریق شیخ تکمیل شده و روایاتش مسند خواهد شد.

ب. کتاب الرجعة و کتاب القائم

مؤلف این دو کتاب، فضل بن شاذان نیشابوری است. وی از مشایخ حدیث و ثقات محدثان امامیه در اواسط قرن سوم هجری قمری و از فقهای متکلمین و اجلای اصحاب حضرت جواد و هادی و عسکری علیهم‌السلام بوده است. بلکه به نوشته بعضی، از حضرت رضا علیه‌السلام نیز روایت کرده است. کتب وی، به حدود ۱۸۰ جلد می‌رسد که نجاشی[2] به تعدادی تصریح کرده است. او در سال ۲۶۰ ق بدرود حیات گفت.

به نظر نگارنده، شیخ طوسی در فصول پایانی کتابش، آنچه از فضل نقل کرده، مستقیماً از همان دو کتاب اخذ کرده است. او در «**فصل فیما ذکر فی بیان مقدار عمره** علیه‌السلام» و در «**ذکر طرف من العلامات الکائنة قبل خروجه** علیه‌السلام» روایات کثیری را که به هفتاد می‌رسد، از وی نقل می‌کند و اولین روایت را بدین گونه آغاز می‌کند: «**و روی الفضل بن شاذان عن ابن ابی نجران عن...**».

شیخ در بقیه موارد یا در اول سند، فضل بن شاذان را آورده یا ضمیری که به او برمی‌گردد.

البته شیخ در فصول متعدد از فضل روایت نقل می‌کند؛ ولی احتمال اخذ مستقیم

---

۱. شیخ طوسی، ***الفهرست***، ص۷۵، ش۳۰۶.
۲. نجاشی، ***رجال***، ص۳۰۶، ش۸۴.

از کتاب وی ضعیف است و قراین ***کافی*** وجود ندارد. فضل، از مشایخ بی واسطه شیخ طوسی نیست؛ لذا شیخ در نقل حدیث از فضل به طریق اعتماد می‌کند. ما ذیلاً به نقل یک طریق که در فهرست[1] آمده است، اکتفا می‌کنیم: «**اخبرنا بروایاته و کتبه هذه ابوعبدالله المفید رحمه الله عن محمد بن علی بن الحسین بن بابویه عن محمد بن الحسن عن احمد بن ادریس عن علی بن محمد بن قتیبة عنه**».

ج. کتاب اخبار الوکلاء الاربعة

کتاب ***اخبار الوکلاء*** تألیف احمدبن علی بن عباس بن نوح ابوالعباس سیرافی از دیگر مصادر شیخ در کتاب ***غیبت*** است. سیرافی ـ همان گونه که در ترجمه‌اش[2] آمده است ـ از مشایخ نجاشی بود و کتب بسیاری نگاشت که در شمار آن‌ها همین کتاب است. سیرافی چارچوب اصلی کتابش را از هبة الله بن احمد بن محمد کاتب برگرفت. نجاشی در ترجمه هبة الله[3] بدین مطلب تصریح می‌فرماید: «...**و کتاب فی اخبار ابی عمرو و ابی جعفر العمریین و رایت ابا العباس بن نوح قد عوّل علیه فی الحکایة فی کتابه اخبار الوکلاء**».

شیخ در فصول متعدد حدیث و احوالات نواب اربعه را از سیرافی نقل می‌کند. متأسفانه کتاب سیرافی نیز به دست ما نرسید. فقط آنچه از وی رسیده همان است که در لا به لای کتب حدیثی و مخصوصاً در کتاب ***غیبت*** شیخ طوسی آمده است. هر چند شیخ نیز در ترجمه[4] وی از عدم دستیابی به کتاب او خبر داده و می‌فرماید: «... و **له کتاب اخبار الابواب غیر ان هذه الکتب کانت فی المسودة و لم یوجد منها شئ... و مات عن قرب الا انه کان بالبصرة و لم یتفق لقائی ایاه.**»

البته به نظر می‌رسد که حین نگارش کتاب ***غیبت*** نسخه‌ای از آن، به شیخ رسیده

۱. شیخ طوسی، ***فهرست***، ص۱۲۴، ش۵۵۲.
۲. نجاشی، ***رجال***، ص۸۶، ش۲۰۹.
۳. همان، ص۴۴، ش۱۱۸۵.
۴. شیخ طوسی، ***فهرست***، ص۳۷، ش۱۰۷.

بود و شیخ هم در مواضع بسیاری از آن نقل می‌کند؛ از جمله:

۱. در فصل «**و امّا ظهور المعجزات الدالة علی صحة امامته فی زمان الغیبة**». شیخ در این فصل، پنج خبر از وکلای اربعه را در وقایع اتفاقیه نقل کرده که اولین آن در صفحه ۱۹۹ بدین شروع می‌شود: «**و اخبرنا الحسین بن ابراهیم عن ابی العباس احمد بن علی بن نوح عن ابی نصر هبة الله بن محمد الکاتب قال:** ...» دومین آن نیز در صفحه ۱۹۹ با اسم اشاره «بهذا الاسناد» شروع می‌شود و سومین آن در صفحه ۲۰۸ و چهارمین آن در صفحه ۲۰۹ و پنجمین در صفحه ۲۲۰ آمده است.

۲. در «**فامّا السفراء الممدوحون فی زمان الغیبة (السفراء الاربعه)**».

شیخ در این فصل در هفده مورد، از کتاب سیرافی روایت اخذ کرده و در موضوعات مختلفی هم چون احوال سفرا و توقیعات بیان کرده است.

۳. در «**ذکر المذمومین الذین ادعوا البابیّة**».

شیخ در این قسمت در شش مورد از کتاب سیرافی اخذ کرده است.

طریق شیخ به کتاب الوکلاء به واسطه «**جماعة من اصحابنا**»[1] است که این جا به واسطه «حسین ابن ابراهیم قمی» از آن نقل می‌کند.

د. کتاب الاوصیاء و کتاب الغیبة

شیخ از این دو کتاب شلمغانی نیز هر چند مختصر در «**فصل فی ذکر العلة المانعة لصاحب الامر** علیه‌السلام **من الظهور**» در صفحه ۲۳۱ و در بحث «**نیابة ابی القاسم الحسین بن نوح**» در صفحه ٢٦٤ اخذ کرده است. شلمغانی محمد بن علی بن ابی العزاقر از فقهای امامیه بود و کتبی را نگاشت که این دو هم از آن جمله است. وی ابتدا در طریق مستقیم بود، ولی بعد منحرف شد و اقوال عجیبی از او صادر شد که دستگیر، و در سال ۳۲۳ق به قتل رسید.

---

۱. *فهرست*، ص۳۷، ش۱۰۷.

هـ. کتاب فی نصرة الواقفة

شیخ در ذیل «**الکلام فی الواقفة**» روایاتی را نقل می‌کند که برای اثبات حقانیت واقفه آورده شده است و بعد از هر روایت، جواب آن را بیان کرده است که یا اشکال در دلالت روایت دارد یا در صدور. وی مجموعه آن‌ها را از کتابی اخذ کرده که علی بن احمد علوی در نصرت واقفه نوشته است؛ چنان که در صفحه ٤١ می‌فرماید: **فمن ذلک اخبار ذکرها ابو محمد علی بن احمد العلوی الموسوی فی کتابه فی نصرة الواقفة.**

نتیجه

بعد از کنکاش و بررسی با قراین معلوم شد که شیخ در تدوین کتابش، از این کتب اخذ کرده است؛ ولی احادیث فراوانی را نقل می‌کند که ما به راستی مصدر اخذ آن‌ها را نمی‌دانیم و خود شیخ هم بدان اذعان نکرده است. شیخ در بسیاری از موارد، سند را با شیخش شروع می‌کند؛ ولی ما نمی‌دانیم که آیا از او شنیده واز کتابش اخذ کرده یا از کتاب دیگر راویان حدیث اخذ کرده و در اول، طریق خود را به آن کتاب آورده است.